

تدوین الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی در پرتو رهنمودهای

امام علی (علیه السلام) با رویکرد فازی

علی اصغر سعدآبادی*

علی اصغر پورعزت**

چکیده:

تغییرات اجتماعی، معمولاً با هدف بهبود شرایط زندگی انسان واقع می‌شوند. با این حال، گاهی خود انسان فراموش می‌شود! انسان را باید به منزله کانون طرح‌های پیشرفت و بهبود در نظر گرفت و همواره باید این فکر را در برنامه‌های تغییر مدنظر قرار داد که ابتدا باید انسان‌ها را تغییر داد تا آن‌ها خودشان بتوانند شرایط و موقعیت زندگی خود را بهبود بخشند. تکریم و احترام به شخصیت انسان و حفظ حرمت انسانی، جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حضرت علی (علیه السلام) داشت. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از مدل سه شاخگی^۱ به بررسی توصیفی-تحلیلی اهداف و شاخص‌های توسعه و تعالی اجتماعی در سه شاخه رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای در پرتو فرمایشات امام علی (علیه السلام) بپردازد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه خبرگان و متخصصان علوم اسلامی، ارتباطات، علوم اجتماعی و علوم انسان‌شناسی هستند که در حیطه پژوهش، صاحب رأی و صاحب نظرند. نمونه آماری پژوهش مشتمل بر ۱۱۸ نفر از اساتید مجرب و صاحب نظر در حیطه‌های فوق‌الذکر بوده که به روش گلوله برفی انتخاب گردیده‌اند. در این پژوهش ابتدا به روش تحلیل مضمون، شاخص‌های پیشرفت و تعالی اجتماعی در پرتو رهنمودهای امام علی (علیه السلام) مورد شناسایی قرار گرفتند؛ سپس کدهای اولیه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA چندین مرتبه مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفته و ۱۰۲ مؤلفه شناسایی گردید؛ سپس جهت آزمون نتایج از تکنیک دلفی فازی استفاده شد. در نهایت ۶۰ مضمون پایه پیشرفت و تعالی انسانی از مجموعه داده‌ها شناسایی گردید. از ۶۰ مضمون پایه تعالی اجتماعی، ۳۳ عامل محتوی، ۸ عامل ساختاری و ۱۹ عامل زمینه‌ای مورد تأیید نهایی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت اجتماعی، دلفی فازی، علوی، تعالی انسانی.

۱. مقدمه

امروزه، فکر توسعه و تعالی اجتماعی از ایدئولوژی و نحوه نگرشی غربی نشأت می‌گیرد که تصویری یک بعدی و یک‌جانبه از حرکت تاریخی جوامع ارائه داده و مراحل را براساس سیر تاریخی جوامع غربی شناسایی می‌کند و به مثابه یک مدل و مرجع اساسی برای سایر جوامع معرفی می‌کند. مدل‌های توسعه اجتماعی پیاده شده در کشورهای پیشرفته غربی، نمی‌تواند عیناً در کشورهای در حال توسعه پیاده شوند؛ زیرا این مدل‌ها، علاوه بر داشتن نگاه تک‌بعدی به انسان و نیازهایش، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی این کشورها را در نظر نمی‌گیرند.

در زمانی که توسعه به معنای کمی آن مورد توجه بود، شاخص‌های اقتصادی چون درآمد، زیربنای فیزیکی و تولید ناخالص، معیارهایی برای توسعه شناخته می‌شدند؛ اما این شاخص‌ها در فرهنگ اسلامی نمی‌توانند تصویر جامعی از فراگرد توسعه‌یافتگی ارائه دهند. جالب آنکه با گذر زمان، تعاریف نوین از توسعه به تعالیم اسلامی نزدیک‌تر شده‌اند. اما در کشورهای اسلامی به این سرمایه معنوی و اثرگذار بر روند توسعه و پیشرفت، کمتر توجه شده است. در اسلام توسعه و تعالی انسانی محور حرکت برای حصول به توسعه پایدار محسوب می‌شود و حفظ ارزش‌هایی چون عدالت و برابری و آزادی، لازمه پایداری فراگرد توسعه تلقی می‌گردد. اسلام دینی فرازمانی و فرامکانی است. بنابراین تعالیم اصیل آن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبرند. به‌ویژه مفهوم مهمی چون توسعه و پیشرفت اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در باورها و اندیشه‌های اسلامی دارد.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای مسلمان مانند ایران، که به دنبال مدلی مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت هستند، استفاده از مدلی که ریشه در مذهب آنان داشته باشد، کارساز است. با توجه به انطباق فرمایشات امام با مسایل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کشور ما، به نظر می‌رسد مدل پیشرفت و تعالی مستخرج از فرمایشات امام، می‌تواند به‌عنوان مدلی جهت رسیدن به پیشرفت و تعالی مدنظر قرار گیرد. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از مدل سه شاخگی، به بررسی توصیفی-تحلیلی اهداف و شاخص‌های توسعه و تعالی اجتماعی در سه شاخه رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای در پرتو فرمایشات امام علی (علیه السلام) بپردازد.

کشورهای در حال توسعه، صرفاً به دنبال پیروی و تقلید کورکورانه از مدل‌های غربی هستند و این در حالی است که جوامع غربی در شرایطی خاص و عمدتاً تسلط بر منابع اقتصادی جهان (به‌ویژه با غارت کشورهای عقب مانده فعلی) پیشرفت کرده‌اند (راموس، ۱۹۷۴: ۲). حتی کشورهای پیشرفته امروزی نیز خط مسیرهایی متعدد، متنوع و گاه بسیار گوناگون داشته‌اند و نیل به توسعه، برای همه آنها به یک قیمت تمام نشده است (Mirzai, 1976: 19). قبول درست نظریات

وارداتی توسعه، بدون انجام امور تطبیقی و بومی سازی نسبت به فرهنگ، مذهب و دیگر مسایل بومی، به معنی شکست در برنامه‌های راهبردی توسعه است (قورچیان، ۱۳۸۰: ۵۴). بنابراین اگر مدلی ساخته شود که هم جنبه‌های علمی را در برداشته باشد و هم از جهت بومی و دینی با فرهنگ ملی و اسلامی همخوانی داشته باشد، می‌توان به تحقق پیشرفت و تعالی اجتماعی امیدوار بود.

۲. مبانی نظری پژوهش

توسعه (طبق توافق ایجاد شده در کنفرانس بین‌المللی رفاه اجتماعی ۱۹۷۲) عبارت است از «جریانی پیوسته، منظم و واحد، که هدف آن منبعث از آرمان‌ها و تمایلاتی است که مردم برای خود و جامعه خود طلب می‌کنند» (Mirzai, 1976: 19).

براساس تعریف سازمان ملل متحد از توسعه، توسعه فراگردی است که با یکپارچه‌سازی کوشش‌های مردم و دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، آنها را قادر به مشارکت در پیشرفت ملی می‌سازد (Ojo & others, 2013: 33; Dub, 1990: 56).

توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهایشان است. توسعه پایدار تنظیم و ساماندهی تعامل انسان و محیط و تعامل انسان با انسان را در بر می‌گیرد (Lele, 1991: 607-621; Kemp & Pareto, 2005: 13-14).

منظور از پیشرفت و تعالی، تغییری همه‌جانبه و چند بعدی است که ابعاد زندگی اجتماعی انسان را با استفاده از یک چارچوب نظری و برنامه عملی واحد، متحول می‌سازد. بنابراین، آرمان توسعه فقط پیشرفت اقتصادی یک ملت نیست و علاوه بر آن، اصلاح نحوه ارائه خدماتی برای بهبود وضعیت آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین اجتماعی، اشتغال و توزیع عادلانه ثروت را نیز می‌توان جزء اهداف توسعه قرار داد، به طوری که قدرت همه افراد جامعه در انتخاب و تصمیم‌گیری درباره مسایل مهم زندگی افزایش یابد (Seers, 1969: 59-65; Johnson & Filippini, 2013: 97).

ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی اقتصاددانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف سازند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی در برگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد (باقری لنکرانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

به نقل از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۷) مفهوم توسعه اجتماعی، رویکردی کل نگر به زندگی بهتر است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر افق پویای را فراروی انتخاب‌های اجتماعی قرار می‌دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴).

مدل سه شاخگی^۱ در تجزیه طبقه‌بندی مدل‌ها، از نوع مدل‌های منطقی به حساب می‌آید و می‌توان بسیاری از مفاهیم، رویدادها و پدیده‌های فراگیر را در قالب این مدل مورد بررسی و تحلیل قرار داد. براین اساس، عوامل ایجاد کننده یک مسأله در قالب سه دسته از عوامل (عوامل رفتاری، عوامل ساختاری و عوامل زمینه‌ای) مورد بررسی قرار می‌گیرند. چارچوب مفهومی^۲ این پژوهش براساس این مدل ساختار یافته است (میرزایی، ۱۹۷۶: ۳۸۳-۴۱۲).

عوامل رفتاری (محتوایی):^۳ عبارت است از کلیه عوامل و شاخص‌های مربوط به نیروی انسانی که در پیشرفت و تعالی مؤثر هستند.

عوامل ساختاری:^۴ عبارت است از کلیه عوامل غیر انسانی همچون ساختار، قوانین، مقررات، رویه‌ها و مجموعه‌ای از روابط حاکم بر افراد و گروه‌ها که در پیشرفت و تعالی مؤثر هستند.

عوامل زمینه‌ای (محیطی):^۵ عبارت است از کلیه عواملی که خارج از حیطه اختیارات و کنترل ما بوده و زمینه‌ساز عوامل رفتاری و ساختاری بوده و بر پیشرفت و تعالی تأثیرگذار هستند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث جهت‌گیری، بنیادی، و بر مبنای اهداف، اکتشافی است. ماهیت تحقیق نیز کمی-کیفی (آمیخته) است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، یکی از روش‌های پایه‌ای و کارآمد تحلیل کیفی است (براون، ۲۰۰۶: ۷۸). در واقع، تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ۵-۱۵۴).

جامعه آماری این پژوهش، کلیه خبرگان و متخصصان علوم اسلامی، ارتباطات، علوم اجتماعی و علوم انسان‌شناسی هستند که در حیطه پژوهش، صاحب رأی و صاحب نظرند. نمونه آماری پژوهش، مشتمل بر ۱۱۸ نفر از اساتید مجرب و صاحب نظر در حیطه‌های فوق‌الذکر از حوزه علمیه قم، حوزه علمیه تهران، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه امام حسین علیه السلام هستند.

روش نمونه‌گیری پژوهش، روش گلوله برفی^۷ است. گلوله برفی روشی سودمند برای مطالعات کیفی و اکتشافی است. در این روش، نفر اول، شخص دوم را به پژوهشگر معرفی می‌کند و نفر بعدی نیز همین‌طور و این روند ادامه می‌یابد.

1. The three Dimensional Model of co-structure-content-context

2. Conceptual Models

4. Cov-Structure Factors

6. Braun

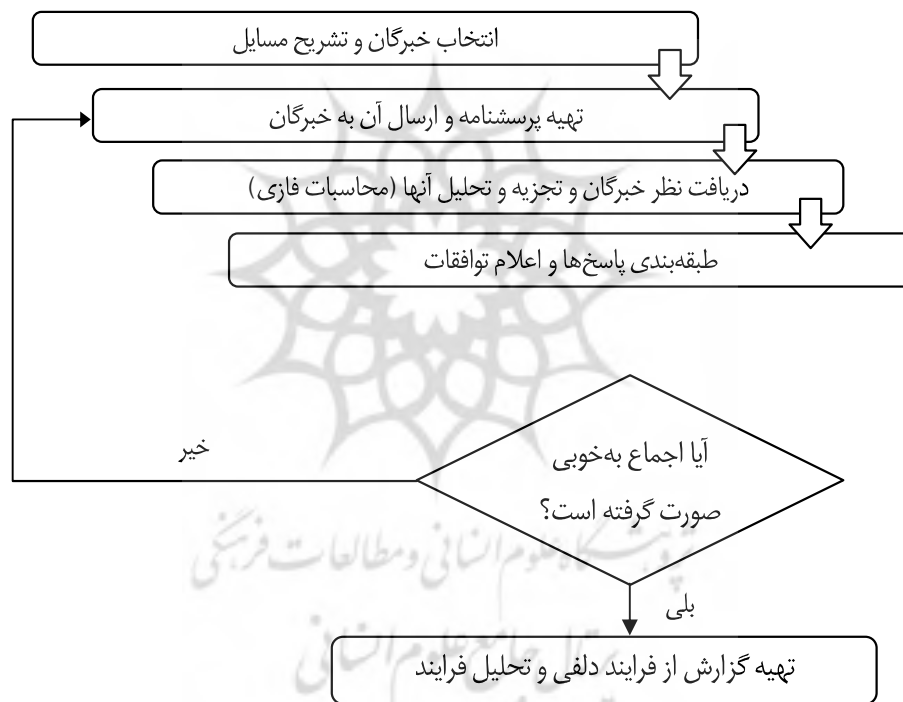
3. Content Factors

5. Context Factors

7. snowball Sampling

در این پژوهش ابتدا به روش تحلیل مضمون، شاخص‌های پیشرفت و تعالی اجتماعی در پرتو رهنمودهای امام علی (علیه السلام) مورد شناسایی قرار گرفتند؛ سپس کدهای اولیه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA چندین مرتبه مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفته و ۱۰۲ مؤلفه شناسایی گردید؛ سپس جهت آزمون نتایج از تکنیک دلفی فازی استفاده شد. در نهایت ۶۰ مضمون پایه پیشرفت و تعالی اجتماعی از مجموعه داده‌ها شناسایی گردید.

در این پژوهش، ما از روش دلفی فازی پیشنهاد شده بوسیله ایشیکاوا (۱۹۹۳) که از رایج‌ترین دلفی فازی‌های مورد استفاده در سطح بین‌المللی است، استفاده کرده‌ایم. الگوریتم اجرای روش در شکل شماره ۱ آمده است.



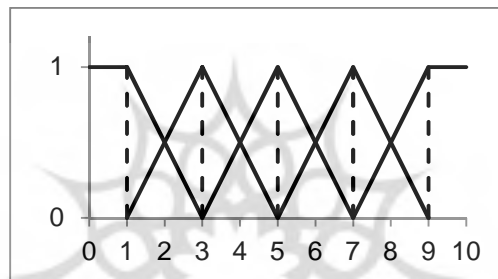
شکل ۱: مراحل روش دلفی فازی

از آنجایی که خصوصیات متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آنها نسبت به متغیرهای کیفی اثرگذار است، لذا با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به سؤال‌ها پاسخ داده‌اند. این متغیرها با توجه به جدول ۱ به شکل اعداد فازی مثلثی تعریف شده‌اند. جدول شماره ۱ بیانگر متغیرهای کلامی و عدد فازی مثلثی نظیر آن است.

جدول ۱: اعداد فازی مثلثی متغیرهای کلامی

متغیر کلامی	عدد فازی مثلثی متناظر
کاملاً مناسب	(۹،۱۰،۱۰)
مناسب	(۷،۹،۱۰)
تا حدودی مناسب	(۷،۹،۵)
بی تأثیر	(۷،۵،۳)
تا حدودی نامناسب	(۱،۳،۵)
نامناسب	(۰،۱،۳)
کاملاً نامناسب	(۰،۰،۰)

شکل شماره ۲ بیانگر عدد فازی مثلثی است.



شکل ۲: مقیاس اعداد فازی

خلق عدد فازی مثلثی T_{ij} برای هر خبره؛ در هر معیار، T_{ij} انعکاس دهنده خبره مورد نظر به شرح زیر است:

$$T_{ij} = (L_{ij}, M_{ij}, U_{ij})$$

که در آن:

$$L_{ij} = \min \{L_{ij}\} \quad \forall j$$

$$U_{ij} = \max \{U_{ij}\} \quad \forall j$$

$$M_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n M_{ij}}$$

میانگین هندسی M_{ij} در عدد فازی مثلثی، برای اشاره به اجماع گروه متخصصان در مورد هر معیار به کار رفته است. مقادیر حداکثر و حداقل نظرهای کارشناسی به عنوان دو نقطه پایانی اعداد فازی مثلثی استفاده می‌شود (Chang, 1998: 83). مقادیر حداکثر و حداقل نظرات خبرگان، نماینده مناسبی برای کل دامنه تغییرات نیستند (Mikhailov, 2003, 367) و دقت محاسبات را کاهش می‌دهند. برای رفع این نقیصه در تجمیع نظر خبرگان، از میانگین هندسی مقادیر ابتدایی و انتهایی استفاده گردید (Davis, 1994, 52).

فازی زدایی کردن؛^۱ از فرمول نقطه ثقل مرکزی ساده^۲ برای فازی زدایی کردن استفاده شده است. یک مقدار آستانه^۳ α را به منظور غربال نمودن عوامل نامناسب انتخاب کنید.

الف) عامل تأثیرگذار پذیرفته می شود اگر: $S_{ij} \geq \alpha$

ب) عامل تأثیرگذار پذیرفته نمی شود اگر: $S_{ij} < \alpha$

اساساً، مقدار آستانه با استنباط ذهنی تصمیم گیرنده معین می شود و مستقیماً بر روی تعداد عواملی که غربال می شوند، تأثیر خواهد گذاشت. هیچ راه ساده یا قانون کلی برای تعیین مقدار این آستانه وجود ندارد. چن و وانگ،^۴ برای پژوهش هایی با بیش از ۱۰۰ مؤلفه، عدد ۷ را به عنوان حد آستانه در نظر می گیرند. در این پژوهش نیز با توجه به تعداد مؤلفه، عدد ۷ به عنوان حد آستانه در نظر گرفته شد.

ابعاد تعالی اجتماعی در پرتو فرمایشات امام علی (علیه السلام)

تغییرات اجتماعی، معمولاً با هدف بهبود شرایط زندگی انسان واقع می شوند. با این حال، گاهی خود انسان فراموش می شود! انسان را باید به منزله کانون طرح های پیشرفت و بهبود در نظر گرفت و همواره این فکر را سرلوحه برنامه های تغییر، مدنظر قرار داد که ابتدا باید انسان ها را تغییر داد تا آن ها خودشان بتوانند شرایط و موقعیت زندگی خود را بهبود بخشند.

مهم ترین ابعاد تعالی اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

اعتقاد به توحید

حتی اگر حکومتی بی پایان باشد، ارزشی پایدار ندارد؛ حال آنکه حکومت های بشری به سرعت درگذرند و دیرپاترینشان، در امتداد تاریخ حیات بشر، بسیار زودگذر جلوه می کنند. بنابراین در نظر اهل حکمت، این حکومت ها بی اعتبارند، مگر آنکه برای نیل به اهدافی بزرگتر برپا گردند؛ اهدافی در ورای اندیشه دنیاطلبان و در امتداد اراده حاکم بر هستی؛ اهدافی در پرتو حکم خداوند و حکمت رسول (پورعزت، ۱۳۹۱: ۲۷).

توحید منشأ عقلانی قیام علیه هرگونه حکومت غیرالهی و هرگونه سلطه تحمیلی در ساحت های گوناگون حیات اجتماعی است. تجلی این باور عمیق در ساحت جامعه، هر حاکم جابر را محکوم به شکست ساخته و در ساحت ذهن و اندیشه نیز سیطره هر انگاره خیرگی و دیرینگی و اعتبار

1. Defuzzification
3. Threshold Value

2. Simple center of gravity
4. Chen & Wang

اجتماعی بشر را انکار می‌کند؛ در واقع توحید سر خلافت و رشد و آزادی و برابری در انفس و آفاق هستی است (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

در خطبه ۸۴ چنین آمده است:

شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز الله نیست و یکتاست و شریکی ندارد. اول است و هیچ چیز پیش از او نبوده است و آخر است بدون آنکه او را پایانی باشد (نهج البلاغه، خطبه ۸۴).
گروهی خدا را به «چشم‌داشت» پرستش کنند، که آن پرستش بازرگانان است؛ و گروهی او را از «ترس» بپرستند، که آن پرستش بردگان است؛ و سه دیگر او را به پاس «سپاس» پرستش کنند، که آن پرستش آزادگان است (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹، ترجمه دین‌پرور: ۵۵۲).
قابل تأمل است که پذیرش این معنی، همه اصول بعدی و همچنین عرصه‌های خط‌مشی‌گذاری و همه خرده‌سیستم‌های حکومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

توحید به منزله اصل اول و آخر

در تلقی‌های رایج، توحید اصل اول دین اسلام قلمداد می‌شود؛ در حالی که در رویکردی عمیق‌تر به معنای توحید و به‌ویژه با توجه به تأکید مکرر و مکرر قرآن کریم بر نفی شرک و الحاد و معرفی توحید به منزله یگانه راه نجات و رستگاری، توحید اصل اول و آخر دین است و سایر اصول، بر مبنای آن و در راستای آن تعریف می‌شوند.

(و مرا بپرستید که صراط مستقیم فقط همین است) (قرآن کریم، یس؛ ۶۱).

بر این اساس، اصل زیربنایی عدالت در اسلام به این صورت تعریف می‌شود (پورعزت، ۱۳۸۷، ۱۴۸): جهان فقط یک خالق و پروردگار دارد که مالکیت مطلق هستی از آن اوست. باید توجه داشت که خط‌مشی‌گذاری، فراگردی است که به‌طور مکرر و با موضوع‌ها و محمول‌های گوناگون انجام می‌پذیرد؛ بنابراین تجلی توحید در خط‌مشی‌گذاری، ابعاد و جلوه‌های متعدد و متنوعی دارد؛ برای مثال، می‌توان باور توحیدی را در خط‌مشی‌های اقتصادی، اداری و سازمانی، با جلوه‌گری در سیستم‌های استخدای، نظام ارشدیت و آیین‌نامه‌های حقوق و دستمزد مد نظر قرار داد.

اعتقاد به نبوت

در جهان‌بینی الهی نیاز انسان به پیامبر، ضرورتی است که قابل تردید نیست. اگر جهان هستی هدفی دارد و در مسیر خود خط صحیحی را دنبال می‌کند، باید برای انسان هم که جزئی از عالم است راهی روشن و دور از هرگونه خطا و انحراف وجود داشته باشد و اگر نباشد او وصله ناهم‌رنگ هستی خواهد بود.

اگر برای آفرینش انسان هدفی وجود دارد و باید انسان به سعادت ابدی برسد، بدون داشتن طرحی کامل و جامع، این هدف عملی نیست و انبیا برای تبیین چنین طرحی آمده‌اند. اگر انسان خطاکار است، هشدار دهنده می‌خواهد و انبیا همان منذران و هشدار دهندگانند. اگر انسان مسئول است و باید در دادگاه عدل الهی پاسخگو باشد، ضروری است که بیان‌کننده‌ای هم برای احکام و مسئولیت‌ها وجود داشته باشد و پیامبران الهی برای این امر آمده‌اند. اگر لازم است که انسان خود را بسازد، باید الگو و مدل داشته باشد و انبیا الگوی انسان کاملند. اگر انسان باید برای آینده خود فکر کند، باید کسی هم باشد که آینده را برای او تشریح کند. در این نوع تفسیر و بینش است که نقش انبیا برای کاروان انسانیت روشن می‌شود و چنین بینشی تنها در جهان‌بینی الهی است.

اما در جهان‌بینی مادی که برای هستی راهی و هدفی معین نشده و انسان هم بدون طرح و نقشه قبلی ساخته شده و پس از چندی رو به نابودی می‌رود، مسأله‌ای به نام نبوت مطرح نیست. بنابراین، مسأله نبوت در متن زندگی ما و در خط اصلی قرار دارد، یعنی رسیدن به هدف انسانی و اسلامی که تنها از یک راه ممکن است؛ راهی بدون شک و سهو، آن هم از منبع وحی و علم بی‌نهایت الهی که به تمام عوامل سعادت و شقاوت ما آگاهی دارد.

همه باید به زندگی پیامبرشان تاسی کنند و راه او را برگزینند و روش او را فراگیرند و گرنه سقوط می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۹، ترجمه دین‌پرور: ۲۲۸).

ما به وجود خدای حکیم عقیده داریم، خداوند جسم نیست تا انسان‌ها با مشاهده او، با او گفتگو کنند و راه هدایت را از او فراگیرند، و نیز همه انسان‌ها این شایستگی را ندارند که از طریق وحی با خداوند ارتباط برقرار کنند. بدین جهت، باید خداوند سفیرانی داشته باشد که آنچه خیر و صلاح بشر را برآورده می‌کند، به آنان بیاموزند، و آنان، پیامبران الهی‌اند.

اعتقاد به امامت

بی‌تردید مسئولیت و وظیفه امام این است که پندها را بدیشان برساند، در نصیحت و خیرخواهی بکوشد، سنت پیامبر را زنده کند، حدود الهی را بر آنها که باید، جاری سازد و بیت‌المال را به اهلش رساند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین‌پرور: ۱۴۱). دودمان پیامبر، سنگ بنای دین و پشتوانه یقین‌اند و ویژگی‌های رهبری از آن اهل بیت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۳، ترجمه دین‌پرور: ۲۱). ما اهل بیت رازداران و یاران صمیمی پیامبریم و درهای باغ رسالتیم، هیچ خانه‌ای را جز از آن وارد نشوند که اگر هرکس چنین کند، او را دزد نامند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۳، ترجمه دین‌پرور: ۲۱۴). توسعه اجتماعی موکول به تسری الگوگیری از پاک‌ترین بندگان خدا بر روی زمین است.

انسان به منزله محور پیشرفت و تعالی

انسان را باید به مثابه محور پیشرفت در نظر آورد. در نهج البلاغه انسان با ویژگی‌های چند بعدی در نظر گرفته شده و همزمان به ابعاد مادی و معنوی او توجه شده است. انسان ایده‌آل در فرهنگ نهج البلاغه، نماینده و ولی خدا است (نهج البلاغه، خطبه ۲). در مکتب علوی، نگاه ابزارگونه به انسان مردود است و همواره تعادل بین فعالیت‌های تولیدی، عبادی و استراحت، در نظر گرفته شده است؛ مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به استفاده از لذت‌های حلال (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶، ترجمه جعفری: ۵۶۰).

توجه به انسان به منزله سرمایه

سرمایه‌دانشی و انسانی، از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های توسعه و پیشرفت هستند. علم و دانش از دیدگاه امام، سرمایه‌ای بس ارزشمند تلقی می‌گردد. از امام خطاب به کمیل چنین روایت شده است: «دانش بهتر از مال است زیرا علم نگهبان توست و مال را تو باید نگهبان باشی. مال با بخشش کاستی پذیرد، اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده، با نابودی نابود گردد. ای کمیل ثروت اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند؛ گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان تا دنیا برقرار است زنده‌اند. بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان می‌باشد، اما یاد آنان همواره در دلها زنده است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴، ترجمه جعفری: ۵۱۶). تأکید نهج البلاغه بر آموزش به حدی شگفت‌انگیز است که انسان امروز را متحیر می‌سازد. ایشان در شرایط آن روز جامعه عربستان که به تعبیری جامعه بدوی و بی‌سواد بود، کسب آموزش و سواد را به عنوان یک حق برای عموم مردم اعلام می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ترجمه جعفری: ۵۷). به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در نیل به تعالی اجتماعی، آموزش باشد (لیتل و گرین، ۲۰۰۹: ۷۴-۱۶۶). بنابراین تعلیم و تربیت یکی از وظایف مهم حاکمیت است و امام یکی از اهداف حکومت خود را اصلاح و آموزش مردم می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین‌پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین‌پرور: ۵۱۲). و این آموزش‌ها در زمینه‌های گوناگون باید توأم با حسن خلق باشد تا اثربخش باشد (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه جعفری: ۳۹۶).

امام دانشی را مفید می‌داند که بتوان آن را در دنیای واقع، به کار بست (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴، ترجمه دین‌پرور: ۵۸۷)؛ دانش همزاد عمل است. آنکه داند باید به کار بندد

(نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۸۵). در جای دیگر می‌فرمایند که کم‌بهاترین دانش، مبادله اطلاعات و اظهار فضل است و ارزنده‌ترین آن، عمل کردن به آن (نهج البلاغه، حکمت ۸۸، ترجمه دین پرور: ۵۱۹). البته دانش به عرصه عمل نخواهد رسید مگر آنکه درک گردد؛ راویان دانش بسیار، ولی درک کنندگان آن اندکند (نهج البلاغه، حکمت ۹۴، ترجمه دین پرور: ۵۲۱).

امام افزونی دانش را بر افزونی ثروت برتری داده و خیر دنیا و آخرت را در افزونی دانش دانسته‌اند (نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰). امام، مسلمانان را به یادگیری علوم گوناگون تحت هر شرایط و سختی فرا می‌خوانند (نهج البلاغه، حکمت ۷۶، ترجمه دین پرور: ۵۱۶) و دانش را گمشده مؤمن می‌خوانند (نهج البلاغه، حکمت ۷۷، ترجمه دین پرور: ۵۱۷).

رویکرد خردمندانه به مسأله قضا و قدر

آزادی انتخاب و رویکرد خردمندانه به مسأله قضا و قدر برای پیشرفت و تعالی ضروری است. یکی از مسایل عمده مؤثر بر پیشرفت، آزادی انتخاب است؛ از این رو، بحث جبر و اختیار و اعتقاد به قضا و قدر ممکن است نقش مهمی در پیشرفت داشته باشد. عده‌ای از دانش‌پژوهان علت عمده عقب‌ماندگی مسلمانان را اعتقاد به قضا و قدر جبری دانسته، این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که داشتن چنین اعتقادی، آزادی و اختیار را از انسان سلب می‌نماید. در این طرز تفکر، تلاش و کوشش، بی‌ثمر و بی‌اثر دانسته شده و همه امور به‌گونه‌ای به اراده و مشیت حضرت حق مستند می‌گردد. اگر فقیر است فقر را از ناحیه خدا می‌داند و اگر بیکار است تن به مذلت داده، دلیلی برای جست‌وجو کردن و پیدا نمودن کار نمی‌بیند؛ زیرا معتقد است که خدا چنین خواسته است. به این ترتیب، انسان به منزله عامل اصلی پیشرفت از حرکت باز می‌ایستد و موتور توسعه متوقف می‌شود. امام مسأله قضا و قدر را پیچیده می‌داند و درک آن را مشکل می‌شمارند؛ به طوری که به مردی شامی که از ایشان سؤال می‌کند «آیا رفتن ما به شام به قضا و قدر الهی مربوط است»، پاسخ می‌دهند که «وای بر تو! اگر چنین بود پادشاه و کیفر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود!» (نهج البلاغه، حکمت ۷، ترجمه جعفری: ۵۰۲).

در حکمت شماره ۲ نهج البلاغه آمده است که: آن کس که از ترس نابودی در این جهان و جهان دیگر، خود را به دست پیشامدها سپرد، در هر دو جهان نابود گردد (نهج البلاغه، حکمت ۲، ترجمه جعفری: ۴۹۵).

در فلسفه اسلامی، هر آنکه به تقدیر الهی معتقد است، هرگز از پیشامدهای ناگوار نمی‌هراسد، بلکه با اعتقاد به اینکه نیروهای طلب و اراده در جهان کارسازند و این حوادث جزئی از تدابیر مبتنی بر حکمت الهی هستند، هرگز از کار و زندگی دلسرد نمی‌شود (بختیاری، ۱۳۸۰: ۹۱-۱۱۵).

رویکرد آینده پژوهانه

برای نیل به پیشرفت و تعالی، رویکرد آینده پژوهانه ضرورت دارد. فراگرد پیشرفت، فراگردی پیچیده است که باید در ورای نسل‌ها و عصرها دنبال شود (پورعزت، ۱۳۸۹: ۷۴-۱۶۵). همواره مسایل راهبردی و کلان کشور را باید در بعد زمان ملاحظه کرد. زیرا اهداف راهبردی چون پیشرفت و تعالی، در قالب برنامه‌های بلندمدت از حال تا آینده دور، برنامه‌ریزی می‌شوند (کان، ۱۹۹۴: ۱۰۴).

امام پیروان خویش را دعوت به تفکر و تفحص در تاریخ نموده و گذشته را مملو از تجربه‌های ارزشمند برای رسیدن به آینده نیکو می‌دانند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: نهج‌البلاغه، خطبه ۴، ترجمه جعفری: ۲۱؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱، ترجمه جعفری: ۴۵۰). البته در اینجا دو سطح از آینده‌نگری مدنظر است؛ اول آنکه حفظ دارایی مادی برای فردای نزدیک؛ به طوری که بتوان زندگی معقولی را برنامه‌ریزی کرد و دوم، حفظ دارایی معنوی از طریق انفاق؛ به طوری که آخرت را دریابد.

اندیشه‌ورزی (خردورزی)

هیچ ثروتی، سودمندتر از عقل نیست (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین‌پرور: ۵۲۵). بینش‌ها و اندیشه‌های هر فرد جهت دهنده حرکت اوست و اندیشه‌ای حرکت را شتاب می‌دهد که از درون بجوشد نه اینکه تزریقی و وارداتی باشد.

انسان به ما هو انسان قابل احترام و دارای شئیت اجتماعی است، نگاه به جامعه و ساختارهای آن وقتی حاشیه محور باشد اصولی مانند اخلاق نیز به سمت اضمحلال می‌رود و برداشت‌های انتزاعی در این فضا گسترش می‌یابد. اساساً جامعه در این شرایط نه گوش شنوا دارد و نه چشم بینا چراکه همه به دنبال پاسخ دادن به مباحث پیرامون خود هستند.

صداقت

راستگو بر بلندای رستگاری و بزرگواری است و دروغگو بر پرتگاه سقوط و خواری (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین‌پرور: ۱۰۴). صداقت زمانی ایجاد می‌شود که هیچ‌گونه تضادی میان افکار، الفاظ و اعمال افراد وجود نداشته باشد. این خصیصه اخلاقی باید در ابتدا در درون خود فرد معنا پیدا کند و سپس در برابر دیگران در معرض ظهور گذارده شود.

صادق بودن یعنی یکپارچگی و خلوص، یعنی دوری گزینی از حيله‌گری و گول زدن خود و دیگران. صداقت تعیین کننده کیفیت درستکاری است، مشخص کننده درجه پایبندی به اصول

است و فاصله بین پندار و کردار را به حداقل می‌رساند. انسان صادق صراحت و عدالت را در رفتار با دیگران بکار می‌گیرد و از ریا، دورویی و حيله در قبال دیگران پرهیز می‌کند. صداقت یعنی آشکار کردن حقیقت و پنهان کردن هر آنچه بنام مصلحت، حقیقت ناب را قربانی می‌کند.

پرهیز از ریاکاری

برای خدا کار کنید و از ریا و تظاهر پرهیزید؛ چه، آنکه برای غیر خدا کار کنید، خدا او را به همان کس واگذارد (نهج البلاغه، خطبه ۲۳، ترجمه دین‌پرور: ۴۱). ریا عبارت است از ظاهرسازی و تظاهر به عمل نیک، بدون آنکه غرض اصلی انجام دادن آن باشد؛ بلکه مقصود، نمودن آن به دیگران به منظور پاکدامن و نیکوکار جلوه دادن خویش باشد، در حالی که در واقع چنین نیست. ریا در عبادت با انجام دادن عبادت برای غیر خدا به قصد خودنمایی و نشان دادن آن به مردم تحقق می‌یابد. مقابل آن اخلاص قرار دارد^۱ (الجواهری، ۱۲۶۶: ج ۹: ۱۸۷). ریا مانند میکروب جذام، از درون عمل را می‌پوساند و آن را بی‌محتوا می‌کند. اعمال ریایی مانند درخت بی‌ریشه‌ای است که با یک باد از بیخ‌وبن کنده می‌شود (سعدآبادی و پورعزت، ۱۳۹۱: ۳۳).

ریشه ریا همان «شُرک افعالی» و عدم توجه به حقیقت توحید است. اگر پایه‌های توحید افعالی در درون جان ما محکم شود و بدانیم عزت و ذلت و روزی و نعمت به دست خداست و دل‌های مردم نیز در اراده و اختیار اوست هرگز به خاطر جلب رضای این و آن، اعمال خود را آلوده به ریا نمی‌کنیم! اگر به یقین بدانیم کسی که با خداست همه چیز دارد، و کسی که از او جداست فاقد همه چیز است. اگر خداوند شما را یاری کند هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد کرد و اگر دست از یاری شما بردارد هیچ‌کس نمی‌تواند شما را یاری کند (قرآن کریم، آل عمران: ۱۶۰).

تمام عزت نزد خدا و به دست خداست. ریا همچون آتش سوزانی است که در خرمن اعمال انسان می‌افتد و همه را خاکستر می‌کند؛ نه تنها عبارات و طاعات انسان را بر باد می‌دهد بلکه گناه عظیمی است که مایه روسپاهی صاحب آن در دنیا و آخرت است. این نکته نیز قابل توجه است که پنهان کردن نیت‌های آلوده به ریا، برای مدت طولانی ممکن نیست و ریاکاران غالباً در همین دنیا شناخته و رسوا می‌شوند و از لابه‌لای سخنان و رفتار آنها آلودگی نیت آنها فاش می‌شود و ارزش خود را نزد خاص و عام از دست می‌دهند، توجه به این معنی نیز اثر بازدارنده مهمی دارد.

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به التقیح فی شرح العروة الوثقی.

اخلاص

اخلاص یعنی خالص نمودن اندیشه و نیت و اخلاق و عمل و عبادت و تمام اعضا و جوارح برای خدا که دو نکته اساسی در آن لحاظ می‌شود. یکی اینکه خود عمل و اندیشه و سخن گفتن و عبادت و مانند آن عملی خدایی و خدا پسند باشد، و دیگر اینکه انسان این عمل خدا پسند را برای رضای خدا انجام دهد و نیت و انگیزه اش هم خدایی باشد.

در قرآن کریم داریم:

و به آن دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او

خالص کنند (قرآن کریم، بینه: ۵).

انسان بنده خالص نمی‌شود مگر اینکه تعریف و تکذیب مردم نسبت به او در نظرش یکسان باشد؛ چون می‌داند که تعریف و تکذیب آنها واقعیت را تغییر نمی‌دهد. پس خوشحال نباش به تعریف کسی چراکه تمجید، مقام انسان را در نزد خدا زیاد نکرده و بی‌نیازش نمی‌کند از آنچه که برایش مقدر گردیده است (بحار الانوار، ۱۴۰۴، ج ۷۳: ۲۹۴).

اجتناب از غرور

تاج کبر و غرور را از سر بگیرید (نهج البلاغه، خطبه ۶، ترجمه دین پرور: ۲۷).

واژه غرور در لغت به معنای فریب خوردن و فریفته شدن و گول خوردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۴۶۹۹). غرور یکی از مرض‌های قلبی است که انسان را از درون تهی می‌کند و اعمال و رفتار انسان را نابود می‌کند و در حقیقت به جای اینکه پروردگار بی‌همتا را پرستش کند از نفس، مال، مقام و علمش بتی ساخته و آنها را عبادت می‌کند. انسان سراسر ضعف و عجز و ناتوانی است، هزاران نقص و نیاز و خودش را فرا گرفته و در اثر ناآگاهی از حقیقت خویش، امتیازات و کمالاتی را در خود توهم کرده به غرور مبتلا می‌گردد و به سبب علاقه شدید به خویش، دیگران را پایین‌تر و فاقد کمالات به حساب می‌آورد و به خاطر غرور، دیگر نمی‌تواند حقیقت را تشخیص دهد و پیوسته در مسیر گمراهی گام برمی‌دارد.

انسان‌ها از نظر استعدادها و درونی یکسان نبوده و دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متفاوت می‌باشند. برخی با مشاهده صفت برتری در خود، مرتبه معنوی خود را گم کرده و مست غرور و تکبر می‌شوند. ولی اگر به دید انصاف نظر شود در ابتدا معلوم نیست که برتری‌ها و فضیلت‌های شخص مغرور دارای ارزشی حقیقی باشد، دوم اینکه بر فرض دارا بودن ارزش حقیقی، اصولاً این صفت از ما نیست، بلکه امانت و عاریه‌ای است که در اختیار ما قرار گرفته و صاحب اصلی آن آفریننده آسمان‌ها و زمین است و خردمند را شایسته نیست که به آنچه در حقیقت از دیگری است

فخر بفروشد و مباحثات نماید، به خصوص اگر مایه افتخار خود را در معرض فنا و نابودی ببیند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

دست از تکبر بردار و غرورت را زیر پا بگذار و قبرت را یاد کن که ناخواه در آن درآیی (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین‌پرور: ۲۱۳).

پرهیز از حسادت

شگفتا از غفلت حسودان که سلامتی خود را نادیده انگارند (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۶، ترجمه دین‌پرور: ۵۴۹؛ ر.ک. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۸، ترجمه دین‌پرور: ۵۵۶).

خداوند متعال خواهان جسم، ذهن و روحی سالم برای انسان‌هاست تا زندگی پر نشاط و با طراوتی داشته باشند، اما برخی ذهنیت‌های نادرست، شرایط مطلوب رفتار انسانی را بر هم می‌ریزد. یکی از این رفتارهای نامطلوب و ذهنیت‌های نادرست، حسادت است که ضروری است عوامل پیدایش و رشد آن در خانواده، جامعه و مهم‌تر از این دو در خود شخص بررسی شده و به دلیل اثرات بد جسمی و روحی که برای فرد به همراه دارد، با روش‌های علمی و اخلاقی از بروز آن جلوگیری و در صورت ابتلا، در جهت درمان این معضل اقدام کرد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: هرگز حسادت موزید که ایمان سوزد چونان آتش که هیمه سوزد (نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین‌پرور: ۱۰۴).

صبر

شما را سفارش می‌کنم بر صبر؛ صبر بر روزگار، چون سر است برای بدن؛ در پیکری که سر نباشد خیری نیست، همان‌گونه که در ایمانی که صبوری نباشد، خیری نخواهد بود (نهج البلاغه، حکمت ۷۹، ترجمه دین‌پرور: ۵۱۷) و آزادگان صبر پیشه سازند و نادانان به صبر مجبور گردند (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۵، ترجمه دین‌پرور: ۵۹۶).

صبر در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است (تاج العروس، ج ۷، ۷۱؛ مفردات، ۴۷۴؛ لسان العرب، ج ۴، ۴۳۸). برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند (صحاح اللغة، ج ۲، ۷۰۶؛ مجمع البحرین: ج ۲، ۱۰۰۴) صابران آنهایی هستند که در مصائب استقامت به خرج داده و از پا در نمی‌آیند و هجوم رنج‌ها و سختی‌ها پایشان را نمی‌لغزاند، به خلاف غیر صابران که در اولین برخورد با ناملایمات قصد هزیمت می‌کنند (تفسیر المیزان، ج ۱۱، ۳۳۳) در راه رسیدن به تعالی اجتماعی، مصیبت‌ها و سختی‌های فراوانی پیش روی فرد و جامعه قرار دارد. پیمودن این مسیر نیازمند صبر فراوان است.

پرهیز از چاپلوسی

مهم‌ترین آفت رهبران و نظام سیاسی که یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی برخی از کشورهای جهان سوم نیز به شمار می‌رود، رواج روحیه تملق و چاپلوسی است. این خصوصیت موجب می‌شود خوب و بد، درست و نادرست، لایق و نالایق، شریف و دنی و حق و باطل مشتبه شده و افراد پست، منافق، چاپلوس و هرهری مذهب، نهایت بهره‌برداری را بنمایند که استفاده این ناهلان به بهای طرد عناصر لایق و عقب‌ماندگی کشور تمام خواهد شد.

امام در خطبه ۲۰۷ می‌فرماید:

با سازش‌کاری و چاپلوسی با من معاشرت نکنید و مرا در جریان گزارش‌ها و سخنان حق بگذارید و هیچ اضطراب و نگرانی از ابراز آن نداشته باشید و آن را بر من سنگین مپندارید و اصلاً در فکر ارائه گزارش‌ها و اخبار ستایش‌کننده و بزرگ‌دارنده من نباشید و بدانید آن که از سخن حق که به او گفته شود یا کار عادلانه که بر او عرضه گردد ناراحت شود و بر او سنگین آید، قطعاً عمل به حق و عدل بر او گران‌تر و سنگین‌تر خواهد بود. پس سخن حق و یا رایزنی در عدالت را از من دریغ نکنید، زیرا من از دیدگاه بشری، خود را بالاتر از خطا نبینم و کارم را در ایمنی مطلق ندانم جز آنکه خدا مرا ننگه دارد که بیش از من صاحب اختیار من است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷، ترجمه دین‌پرور: ۳۱۱).

حضرت علی (علیه السلام) مدح و ستایش را خوش نداشته و همیشه مردم را از این کار نهی می‌فرمودند. امام (علیه السلام) مدح و ستایش را عملی زشت و ناپسند می‌شمردند و در همین راستا می‌فرماید: ستودن بیش از اندازه چاپلوسی است و کمتر از آن ناتوانی و حسادت (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۹، ترجمه دین‌پرور: ۵۸۱).

امام به مردی که در ثنای امام افراط می‌کرد، فرمودند: من فروتر از آنم که گویی و فراتر از آنم که در دل داری (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۰، ترجمه دین‌پرور: ۵۱۷).

به نظر حضرت علی (علیه السلام) تمجید و ستایش رهبران موجب می‌شود که آنها وظایف خود را به خوبی انجام نداده و از عهده ادای حقوق مردم برنایند. اگرچه بیماری خطرناک و کشنده چاپلوسی و ستایشگری، مردم جامعه و نخبگان در سطوح مختلف را در بر می‌گیرد، اما این نخبگان هستند که چاپلوس‌پرور و مداح‌پرورند. این مداح‌پروری که نتیجه‌اش فریب خوردن و غفلت رهبران از واقعیت‌های موجود است اگرچه ظاهراً به نفع آنان است ولی در نهایت نظام سیاسی را به پوچی و سقوط می‌کشاند.

یقین

خواب در حال یقین، بهتر از نماز در شک است (نهج البلاغه، حکمت ۹۳، ترجمه دین‌پرور: ۵۲۱). «یقین» عبارت است از اعتقاد ثابت و قطعی انسان به امری که مطابق با واقع بوده و با هیچ شبهه‌ای، هر قدر هم قوی، قابل زوال نباشد. یقین به معنی قوت ادراک ذهنی است، به طوری که قابل زوال و ضعف نباشد (تفسیر المیزان، ج ۴، ۴۰)

مورد و متعلق یقین مربوط است به چیزی که از لوازم و اجزاء ایمان است مانند اعتقاد به وجود خداوند تبارک و تعالی و بعثت انبیا و عالم آخرت.

کسی که دارای چنین یقینی باشد به لوازم آن نیز ملتزم می‌شود، زیرا تفاوت میان ایمان و یقین به همین است که چه بسا انسان ایمان به چیزی دارد ولی بعضی از لوازم آن را فراموش می‌کند و در نتیجه، عمل منافی با ایمانش انجام می‌دهد، به خلاف یقین که دیگر با فراموشی نمی‌سازد، زیرا اگر کسی عالم و مؤمن به روز حساب باشد و همواره به یاد آن روزی باشد، که به حساب کوچک و بزرگ اعمالش می‌رسند، مرتکب گناهان نگردیده بلکه نزدیک قُرُق‌گاه‌های خدا هم نمی‌شود. رسیدن به تعالی شایسته اشرف مخلوقات جز در یقین میسر نخواهد بود.

تقوا و پرهیزگاری

یکی از راه‌هایی که انسان در رسیدن به سعادت حقیقی نمی‌تواند آن را مورد غفلت قرار دهد، رعایت تقوا و پرهیزگاری است. قرآن عظیم الشان در سوره شمس پس از یازده سوگند و قسم چنین بیان می‌دارد: سعادت و رستگاری نصیب آن عده از انسان‌هایی است که خود را از پلیدی تطهیر کند و اما هرکس که خود را به کفر و گناه و بدکاری آلوده ساخت، نومید شد و از رحمت الهی محروم گردید (قرآن کریم، شمس، ۱ الی ۱۰). آیات قرآن، تقوا را مانع گرفتاری به آتش دوزخ معرفی کرده است، از جمله در سوره زمر آیه ۶۱ آمده است:

«گروهی در آتش دوزخ گرفتار گردیده و رویشان سیاه می‌شود، ولی از این بین، پرهیزکاران نجات یافته و کوچک‌ترین غم و اندوه به آنان نمی‌رسد...» (قرآن کریم، زمر: ۶۱).

هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او راه‌هایی از گرفتاری‌ها را فراهم می‌آورد (قرآن کریم، طلاق: ۲). خدا با تقوای پیشگان و نیکوکاران است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ترجمه دین‌پرور: ۲۷۴) آن چیزی که وجه تمایز سازمان‌های تقوامحور از سازمان‌های دیگر است، نوع هستی‌شناسی و جهان‌بینی حاکم بر آن‌هاست. سازمان‌ها بسیاری از صفات و ویژگی‌های خود را وام‌دار صفات و ویژگی‌های اجتماعی هستند؛ در این میان، انگاره سازمان تقوامحور، با بهره‌گیری از مبانی اعتقادی

متفاوت از سازمان‌های روزمره کنونی، می‌تواند در جامعه نقش برجسته‌ای ایفا کرده و جامعه اجتماعی را در دستیابی به اهداف اصیل خود یاری رساند.

با امعان نظر به ویژگی‌های تصویرشده سازمان‌های تقوامحور و پیامدهای مطلوب مادی و معنوی آن؛ به نظر می‌آید که می‌توان این انگاره را به عنوان سازمان‌های مطلوب در فرهنگ‌های توحیدی پذیرفت و باتوجه به پست مدرنیسم حاکم بر فضای علمی، آن را به عنوان نظریه‌ای فرازمانی و فرامکانی ترویج کرد چراکه این بخش از پژوهش با اعتقاد بر این گزاره صورت گرفته است که بیان و ترویج انگاره سازمان تقوامحور، به توسعه معنویت و اخلاق در فضای بین سازمانی جامعه کمک می‌کند و پیشرفت و تعالی را محقق خواهد کرد.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ارزش‌های دینی هستند زیرا خداوند متعالی می‌فرماید: باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند (قرآن کریم، آل عمران: ۱۰۴). خداوند امر به معروف را جهت مصلحت توده مردم قرار داد (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین‌پرور: ۵۵۵). هر کاری را که دین و عقل نیکو بشناسد، معروف است؛ بنابراین همه واجبات و مستحبات معروف‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۰۴) حرکت به سوی تعالی جز با حرکت به سمت عمل نیکو محقق نگردد.

خداوند نهی از منکر را به منظور بازداشتن نادانان قرار داد (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین‌پرور: ۵۵۵). دیگران را از زشتی بازدارید و خود را نیز واپسند که شما یان مأمور به نهی از منکرید پس از آنکه خود از آن دوری کرده باشید (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین‌پرور: ۱۴۱). منکر چیزی است که بر پایه نقل و عقل زشت ناپسند است؛ بنابراین نهی از منکر، بازداشتن دیگران از کارهایی است که نزد نقل و عقل ناپسند باشد و آن‌ها محرمات و مکروهات‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۰۴) خداوند صفت بهترین امت را برای قومی می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر کنند و به خدا ایمان داشته باشند (ر.ک. قرآن کریم، آل عمران: ۱۱۰).

یکی از دلایل فرافکنی از نهی از منکر، ترس از بازخواست شدن خود فرد نهی کننده است؛

همچنان که امام می‌فرمایند:

«آیا می‌دانید چرا شما یان نهی از منکر نمی‌کنید و برادرانتان را از عیبی که دارند باز نمی‌دارید؟ برای اینکه خود گرفتار همان عیبید و می‌ترسید که شما را از آن باز دارند (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲، ترجمه دین‌پرور: ۱۶۰). امر به معروف و نهی از منکر هم دارای تأثیرات درونی است و هم تأثیرات برونی. فرد امر به معروف کننده و نهی از منکر کننده هم موجبات اصلاح خود را فراهم می‌آورد و هم اصلاح دیگران».

اخلاق نیکو

سوگند به خدا؛ هرکس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی، لطفی بس عظیم برای او ذخیره کند (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹، ترجمه دین پرور: ۵۵۶).

حسن خلق محبوب‌ترین و ارزشمندترین عمل نزد خدا پس از واجبات الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۳). خوشخویی، براساس روایات، نه تنها سبب نشاط زندگی فردی و اجتماعی و موجبات آبادانی دیار و فزونی روزی و محبوبیت است، بلکه موجب نجات آدمی و آمرزش گناهان او و زمینه‌ساز قرب به پیامبر ﷺ در روز قیامت و بهره‌مندی از شفاعت آن بزرگوار است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۳).

زهد و پارسایی

خداوند می‌فرماید: تا بر آنچه از دست داده‌اید تأسف مخورید و بدانچه دست یافته‌اید شادمان نگردید. و آنکه بر گذشته تأسف نخورد و بر آنچه دست یافته شادمان نگردد زاهد کامل است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱، ترجمه دین پرور: ۶۰۳). زهد و پارسایی، کوتاه کردن دامان آرزوها و شکر و سپاس نعمت‌ها و پرهیز از گناهان است (نهج البلاغه، خطبه ۷۹، ترجمه دین پرور: ۹۰).

ژرف‌باوری

قرآن کریم و احادیث، انسان را به تفکر فراخوانده‌اند. در قرآن کریم، اندیشیدن از اوصاف خردمندان به حساب آمده است (قرآن کریم، آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱).

ژرف‌باوری بر چهار شاخه است:

بینش هوشیارانه، ریشه‌یابی حکیمانه و پند گرفتن از گذر روزگار (نهج البلاغه، حکمت ۲۶، ترجمه جعفری: ۴۹۴).

رسول خدا می‌فرماید:

سفارش می‌کنم هرگاه خواستی کاری انجام دهی به سرانجام آن بیاندیش (قرب الاسناد، ۱۲۷۱، ۳۲). امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

سه چیز فرد را از دستیابی به مقامات عالی باز می‌دارد؛ کوتاهی همت، کم‌تدبیری و ناتوانی در اندیشه (تحف العقول: ۱۴۰۴ قمری: ۳۱۵).

رسیدن به تعالی اجتماعی بدون عمل عمیق، میسر نخواهد بود.

شکرگزاری نعمت

خدای را در هر نعمت، حقی است؛ پس آنکه حق نعمت را به جای آورد، نعمتش افزون گردد و آنکه کوتاهی کند در خطر زوال نعمت قرار گیرد (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۶، ترجمه دین‌پرور: ۵۵۴) و در هنگامه نعمت، سپاس را از یاد نبرید (نهج البلاغه، خطبه ۸۰، ترجمه دین‌پرور: ۹۰).

تزکیه نفس

بی‌تردید از محبوب‌ترین بندگان خدا، بنده‌ای است که خدا او را در تربیت نفس کمک کند (نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین‌پرور: ۱۰۴).

پاکسازی جان با تخلیه از رذایل اخلاقی و تحلیه به فضایل نفسانی بر هر مسلمانی لازم و ضروری و بر رهبران و کارگزاران نظام اسلامی لازم‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۳۷).
امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند:

کسی که رهبری مردم را می‌پذیرد باید پیش از آنکه به تعلیم و تربیت دیگران بپردازد، به تربیت خود همت گمارد و باید تربیت عملی او پیش از تربیت زبانی او باشد (نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

حق جویی

قطعاً برترین مردم نزد خدا کسی است که حق‌گرایی و حق‌گزاری را گرچه موجب کاستی و اندوه او گردد از باطل ولو اینکه موقعیت او را بالا برد و برایش سودی آرد، محبوب‌تر دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، ترجمه دین‌پرور: ۱۷۷). خدای رحمت کند کسی را که حق را بشناسد و یاری کند و یا ظلم و تجاوزی را ببیند و با آن بستیزد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷، ترجمه دین‌پرور: ۲۹۷).

بصیرت

هر جامعه آن‌چنان زندگی می‌کند که می‌اندیشد و آن‌چنان می‌اندیشد که می‌خواهد! و به‌ویژه آن‌چنان که نخبگان آن بر عامه القا می‌کنند. پس هر چه فراگرد القای اندیشه نخبگان به عامه از انحصار زدوده‌تر گردد و دانشمندان جامعه صالح‌تر باشند، احتمال رویکرد واقع‌بینانه‌تر و منصفانه‌تر عامه به مسائل اجتماعی بیشتر می‌شود. بصیرت بر عامه مردم واجب و بر رهبران جامعه واجب‌تر است. تعالی در تمامی ابعاد، نیازمند بصیرت است.

جدول شماره ۱، مؤلفه‌های توسعه و تعالی اجتماعی مستخرج از فرمایشات امام را در قالب مدل سه شاخگی، به سه شاخه رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای دسته‌بندی کرده است.

جدول ۱: تطبیق مؤلفه‌های توسعه و تعالی اجتماعی استخراج شده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) با مدل سه شاخگی همراه با استناد به منابع

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
عوامل محتوایی	تعادل بین فعالیت‌های گوناگون	نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶، ترجمه جعفری: ۵۶۰	۶.۹۸۴	۸.۴۲۲	۹.۵۳۸	۸.۳۶۸
	عدم پیروی از نفس	نهج البلاغه، نامه ۵۲، ترجمه جعفری: ۴۴۴	۸.۳۶۱	۹.۴۳۱	۹.۸۶۲	۹.۳۲۴
	حسن خلق در آموزش	نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه جعفری: ۳۹۶	۶.۹۸۱	۸.۳۶۶	۹.۴۱۳	۸.۳۱۰
	تعلیم و تربیت فردی	نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴، ترجمه جعفری: ۵۱۶ و نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ترجمه جعفری: ۵۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین پرور: ۵۱۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۹، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۹۶، ترجمه دین پرور: ۵۴۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴، ترجمه دین پرور: ۵۸۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۸۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۸، ترجمه دین پرور: ۵۱۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۴، ترجمه دین پرور: ۵۲۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۶، ترجمه دین پرور: ۵۱۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۷، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۱۳، ترجمه دین پرور: ۵۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۸۷، ترجمه دین پرور: ۵۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰، ترجمه دین پرور: ۳۱۳	۹.۷۳۹	۸.۷۶۷	۹.۹۷۲	۹.۶۱۶
	احسان	غررالحکم، ۱۳۸۱: ۷۸۶	۵.۸۵۷	۷.۵۸۴	۸.۹۵۵	۷.۵۲۵
	تقوا	نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه جعفری: ۲۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه دین پرور: ۳۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۲۵، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۰۲، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۰، ترجمه دین پرور: ۵۹۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۳، ترجمه دین پرور: ۵۸۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳، ترجمه دین پرور: ۵۵۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه دین پرور: ۳۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰، ترجمه دین پرور: ۱۸۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱، ترجمه دین پرور: ۲۶۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ترجمه دین پرور: ۲۷۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ترجمه دین پرور: ۲۷۴	۷.۱۸۶	۸.۶۷۱	۹.۲۶۹	۸.۵۲۳
	امر به معروف	نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۵.۲۲۲	۷.۱۴۸	۸.۷	۷.۰۸۶

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	نهی از منکر	غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین پرور: ۱۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲، ترجمه دین پرور: ۱۶۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۶.۵۱۴	۸.۲۱۲	۹.۱۶۶	۸.۰۸۸
	پرهیز از خودپسندی	نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه جعفری: ۴۶۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶، ترجمه دین پرور: ۵۹۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۴۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳، ترجمه دین پرور: ۵۴۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶، ترجمه دین پرور: ۵۹۳	۶.۲۱۷	۷.۷۳۳	۸.۸۶۷	۷.۶۶۹
	معرفت	نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴، ترجمه جعفری: ۵۱۶	۷.۱۸۶	۸.۶۷۱	۹.۲۶۹	۸.۵۲۳
	توکل به خدا	نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ترجمه جعفری: ۲۰۸؛ خطبه ۱۹۵: ۳۱۴	۸.۰۳۸	۹.۱۵۲	۹.۶۰۴	۹.۰۴۲
	پرهیز از چاپلوسی	نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳۹، ترجمه دین پرور: ۵۸۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۰، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷، ترجمه دین پرور: ۳۱۱	۶.۴۴۰	۸.۱۶۰	۹.۱۶۴	۸.۰۴۱
	اندیشه ورزی	نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین پرور: ۵۱۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۵۷، ترجمه دین پرور: ۵۸۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰، ترجمه دین پرور: ۳۱۳	۸.۵۰۷	۹.۵	۹.۸۵۷	۹.۳۹۴
	پرهیز از خودپسندی	نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۹، ترجمه جعفری: ۴۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶، ترجمه دین پرور: ۵۹۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۴۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳، ترجمه دین پرور: ۵۴۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶، ترجمه دین پرور: ۵۹۳	۸.۱۶۲	۹.۲۳۹	۹.۶۴۵	۹.۱۲۷
	صداقت	نهج البلاغه، حکمت ۴۰، ترجمه جعفری: ۴۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین پرور: ۱۰۴	۶.۶۹۶	۸.۲۳۴	۹.۱۳۷	۸.۱۲۸
	دوران‌دیشی	نهج البلاغه، حکمت ۴۱، ترجمه جعفری: ۴۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲، ترجمه دین پرور: ۵۴۱	۸.۳۶۷	۹.۴۱۴	۹.۸۳۹	۹.۳۱۰
	اعتقاد به توحید	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۵، ترجمه دین پرور: ۶۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۹، ترجمه دین پرور: ۶۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹، ترجمه دین پرور: ۵۵۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۶۴، ترجمه دین پرور: ۷۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۴، ترجمه دین پرور: ۱۰۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین پرور: ۱۰۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۹، ترجمه دین پرور: ۱۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۰، ترجمه دین پرور: ۱۱۱	۶.۸۲۵	۸.۲۹۶	۹.۳۳۸	۸.۲۲۴

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	اعتقاد به توحید	نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ترجمه دین پرور: ۱۲۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۵، ترجمه دین پرور: ۱۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ترجمه دین پرور: ۱۳۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین پرور: ۱۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵، ترجمه دین پرور: ۱۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ترجمه دین پرور: ۱۴۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ترجمه دین پرور: ۱۴۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳، ترجمه دین پرور: ۱۶۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین پرور: ۲۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ترجمه دین پرور: ۲۱۶	۶.۸۲۵	۸.۲۹۶	۹.۳۳۸	۸.۲۲۴
	اعتقاد به امامت	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۲، ترجمه دین پرور: ۲۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۳، ترجمه دین پرور: ۲۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ترجمه دین پرور: ۱۳۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹، ترجمه دین پرور: ۱۷۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ترجمه دین پرور: ۱۹۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ترجمه دین پرور: ۲۰۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، ترجمه دین پرور: ۲۱۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹، ترجمه دین پرور: ۲۲۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵، ترجمه دین پرور: ۳۰۵	۶.۹۹۱	۸.۵۹۸	۹.۳۵۴	۸.۴۵۶
	اعتقاد به نبوت	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۲، ترجمه دین پرور: ۱۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ترجمه دین پرور: ۴۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۸، ترجمه دین پرور: ۱۰۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ترجمه دین پرور: ۱۲۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۴، ترجمه دین پرور: ۱۲۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۵، ترجمه دین پرور: ۱۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰، ترجمه دین پرور: ۱۳۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹، ترجمه دین پرور: ۲۲۸	۷.۰۰۴	۸.۳۵۱	۹.۳۳۲	۸.۲۹۰
	پرهیز از ریا کاری	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۳، ترجمه دین پرور: ۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین پرور: ۲۱۳	۸.۵۰۴	۹.۵۱۰	۹.۸۶۹	۹.۴۰۲
	اخلاص	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹	۶.۷۳۰	۸.۳۱۹	۹.۱۶۴	۸.۱۹۵
	پرهیز از کبر و غرور	نهج البلاغه، خطبه ۶، ترجمه دین پرور: ۲۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین پرور: ۲۱۳	۷.۵۷۸	۸.۹۲۸	۹.۷۴۵	۸.۸۳۹
	پرهیز از سرزنش دیگران	نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه دین پرور: ۳۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین پرور: ۲۱۳	۸.۲۴۰	۹.۳۵۲	۹.۸۳۹	۹.۲۴۸
	پرهیز از حسادت	نهج البلاغه، خطبه ۲۳، ترجمه دین پرور: ۴۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۱۶، ترجمه دین پرور: ۵۴۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۸، ترجمه دین پرور: ۵۵۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین پرور: ۱۰۴	۸.۵۳۹	۹.۵۲۷	۹.۸۶۹	۹.۴۱۹

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	حق طلبی	نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ترجمه دین پرور: ۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۳۷، ترجمه دین پرور: ۵۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۶۸، ترجمه دین پرور: ۸۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین پرور: ۱۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، ترجمه دین پرور: ۱۷۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷، ترجمه دین پرور: ۲۹۷	۷.۸۷	۹.۰۴۷	۹.۷۱۶	۸.۹۶۲
	یقین	نهج البلاغه، حکمت ۹۳، ترجمه دین پرور: ۵۲۱	۸.۰۵۶	۹.۲۹۰	۹.۸۶۹	۹.۱۸۱
	اخلاق نیکو	نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۰، ترجمه دین پرور: ۵۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹، ترجمه دین پرور: ۵۵۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۵	۸.۹۵۷	۹.۸۲۵	۹.۹۶۴	۹.۷۰۳
	زهد و پارسایی	نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱، ترجمه دین پرور: ۶۰۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۷۹، ترجمه دین پرور: ۹۰	۸.۴۲۵	۹.۴۴۲	۹.۸۳۹	۹.۳۳۹
	پرهیز از طمع	نهج البلاغه، حکمت ۲۱۰، ترجمه دین پرور: ۵۴۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷، ترجمه دین پرور: ۵۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۶۷، ترجمه دین پرور: ۵۶۷	۶.۵۲۵	۸.۵۳۸	۹.۶۳۲	۸.۴۶۹
	شکرگزاری نعمت	نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰، ترجمه دین پرور: ۵۳۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳، ترجمه دین پرور: ۵۸۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۳۶، ترجمه دین پرور: ۵۵۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۰، ترجمه دین پرور: ۹۰	۸.۱۶۹	۹.۲۱۵	۹.۲۴۱	۹.۱۷۴
	پرهیز از سستی و تنبلی	نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱، ترجمه دین پرور: ۵۵۳	۸.۰۲۶	۹.۷۹۰	۹.۴۵۱	۹.۰۴۱
	صبر	نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲، ترجمه دین پرور: ۲۵۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ترجمه آیتی، ۲۵۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۱۶، ترجمه دین پرور: ۶۰۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۹۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰، ترجمه دین پرور: ۵۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳، ترجمه دین پرور: ۵۴۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۹۸، ترجمه دین پرور: ۵۴۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۲، ترجمه دین پرور: ۵۴۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۹، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۰۵، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ترجمه آیتی، ۲۵۵	۹.۰۲۸	۹.۸۶۴	۹.۹۷۳	۹.۷۴۳
	بصیرت	نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲، ترجمه دین پرور: ۲۵۰	۸.۸۲۹	۹.۷۶۹	۹.۹۷۳	۹.۶۴۶
	عوامل ساختاری	کار بست سیستم آموزشی مناسب	نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه جعفری: ۳۹۶	۸.۵۴۴	۹.۶۳۱	۹.۹۷۲
توسعه فرا نسلی		نهج البلاغه، نامه ۳۱، نهج البلاغه، خطبه ۴، ترجمه جعفری: ۲۱	۴.۲۳۱	۸.۲۰۳	۹.۱۳۳	۷.۰۲۹

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}	
توجه سازمانی به تعلیم و تربیت	نظام تشویق سازمانی	نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه جعفری: ۳۹۶	۵.۲۲۲	۷.۱۰۸	۸.۷۰۰	۷.۰۵۹	
	توجه سازمانی به تعلیم و تربیت	نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴، ترجمه جعفری: ۵۱۶ و نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ترجمه جعفری: ۵۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین پرور: ۵۱۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۹، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۹۶، ترجمه دین پرور: ۵۴۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴، ترجمه دین پرور: ۵۸۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۸۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۸، ترجمه دین پرور: ۵۱۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۴، ترجمه دین پرور: ۵۲۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۶، ترجمه دین پرور: ۵۱۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۷، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۱۳، ترجمه دین پرور: ۵۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۸۷، ترجمه دین پرور: ۵۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰، ترجمه دین پرور: ۳۱۳	۷.۹۰۸	۹.۱۵۲	۹.۸۰۷	۹.۰۵۴	
	تشویق فرهنگ امر به معروف در محیط سازمانی	نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۷.۱۹۲	۸.۶۱۹	۹.۴۹۸	۸.۵۲۸	
	تشویق فرهنگ نبهی از منکر در محیط سازمانی	غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲، ترجمه دین پرور: ۱۶۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۷.۲۸۴	۸.۶۶۷	۹.۴۹۸	۸.۵۷۵	
	تشویق فرهنگ راستگویی در محیط سازمانی	نهج البلاغه، حکمت ۴۰، ترجمه جعفری: ۴۵۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۷	۵.۸۵۴	۷.۸۲۷	۸.۹۹۲	۷.۶۹۲	
	مبارزه سازمان یافته با تملق در ساختار سازمانی	نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳۹، ترجمه دین پرور: ۵۸۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۰، ترجمه دین پرور: ۵۱۷	۶.۹۶۵	۸.۸۷۲	۹.۸۱۳	۸.۷۱۱	
	جوایز زمینهای	در نظر گرفتن انسان به عنوان محور پیشرفت	نهج البلاغه، خطبه ۲	۸.۸۸	۹.۷۹۳	۹.۹۷۲	۹.۶۷۱
		توجه به انسان به عنوان سرمايه انسانی	نهج البلاغه، خطبه ۲	۸.۳۲۵	۹.۳۵۸	۹.۸۰۷	۹.۲۶۱
		تعلیم و تربیت دایمی	نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴، ترجمه جعفری: ۵۱۶ و نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ترجمه جعفری: ۵۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛	۸.۹۹۹	۹.۹۹۹	۹.۹۹۹	۹.۸۳۳

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	تعلیم و تربیت دایمی	نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین پرور: ۵۱۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۹، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۹۶، ترجمه دین پرور: ۵۴۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۴، ترجمه دین پرور: ۵۸۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸، ترجمه دین پرور: ۵۸۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۸، ترجمه دین پرور: ۵۱۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۴، ترجمه دین پرور: ۵۲۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۶، ترجمه دین پرور: ۵۱۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۷، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۱۳، ترجمه دین پرور: ۵۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۸۷، ترجمه دین پرور: ۵۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰، ترجمه دین پرور: ۳۱۳	۸.۹۹۹	۹.۹۹۹	۹.۹۹۹	۹.۸۳۳
	فرهنگ امر به معروف	نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۵.۹۳۴	۷.۶۰۳	۹.۰۶۵	۷.۵۶۸
	فرهنگ نهی از منکر	غررالحکم، ۱۳۸۱: ۱۹۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ترجمه دین پرور: ۵۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲، ترجمه دین پرور: ۱۶۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵، ترجمه دین پرور: ۲۱۹	۶.۲۲۶	۷.۷۵	۸.۸۴۴	۷.۶۷۸
	حاکمیت نظام تشویق	نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه جعفری: ۳۹۶	۶.۳۸۷	۸.۱	۹.۵۳۸	۸.۰۵۴
	حاکمیت اسلام در تمامی عرصه‌ها	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه جعفری: ۸	۷.۷۶۷	۸.۹۱۲	۹.۴۹۸	۸.۸۱۹
	رویکرد خردمندانه به مساله قضا و قدر	نهج البلاغه، حکمت ۷، ترجمه جعفری: ۵۰۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۲، ترجمه جعفری: ۴۹۵	۵.۷۹۳	۷.۵۷۰	۹.۲۰۱	۷.۵۴۶
	مبارزه با فرهنگ چاپلوسی	نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۲، ترجمه جعفری: ۴۹۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۳۹، ترجمه دین پرور: ۵۸۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۰، ترجمه دین پرور: ۵۱۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷، ترجمه دین پرور: ۳۱۰	۶.۱۹۲	۷.۸۸۲	۹.۴۱۴	۷.۸۵۶
	خردورزی	نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ترجمه دین پرور: ۵۱۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۵۷، ترجمه دین پرور: ۵۸۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۲، ترجمه جعفری: ۴۹۱	۶.۱۸۵	۷.۹۴۰	۹.۲۵۶	۷.۸۶۷
	فرهنگ محبت‌ورزی	نهج البلاغه، حکمت ۳۳، ترجمه جعفری: ۴۹۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹، ترجمه دین پرور: ۵۵۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، ترجمه دین پرور: ۲۱۴	۶.۷۱۴	۸.۳۳۲	۹.۵۹۷	۸.۲۷۳

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	معاد باوری	نهج البلاغه، خطبه ۲۱، ترجمه دین پرور: ۳۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۱، ترجمه دین پرور: ۱۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ترجمه دین پرور: ۱۵۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴، ترجمه دین پرور: ۲۹۴	۷۰۰۱۸	۸۰۴۹۴	۹۰۵۹۷	۸۰۴۳۲
	فرهنگ توحیدی	نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه دین پرور: ۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۵، ترجمه دین پرور: ۶۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۹، ترجمه دین پرور: ۶۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹، ترجمه دین پرور: ۵۵۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۶۴، ترجمه دین پرور: ۷۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۴، ترجمه دین پرور: ۱۰۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین پرور: ۱۰۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۹، ترجمه دین پرور: ۱۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۰، ترجمه دین پرور: ۱۱۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ترجمه دین پرور: ۱۲۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۵، ترجمه دین پرور: ۱۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ترجمه دین پرور: ۱۳۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ترجمه دین پرور: ۱۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵، ترجمه دین پرور: ۱۴۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ترجمه دین پرور: ۱۴۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ترجمه دین پرور: ۱۴۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳، ترجمه دین پرور: ۱۶۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ترجمه دین پرور: ۲۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ترجمه دین پرور: ۲۱۶	۷۰۰۷۰	۸۰۶۰۸	۹۰۶۹۰	۸۰۵۳۲
	حق جوئی	نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ترجمه دین پرور: ۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۳۷، ترجمه دین پرور: ۵۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۶۸، ترجمه دین پرور: ۸۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳، ترجمه دین پرور: ۱۴۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، ترجمه دین پرور: ۱۷۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷، ترجمه دین پرور: ۲۹۷	۶۰۹۶۸	۸۰۶۴۰	۹۰۷۸۳	۸۰۵۵۲
	یقین	نهج البلاغه، حکمت ۹۳، ترجمه دین پرور: ۵۲۱	۷۰۱۷۷	۸۰۸۴۰	۹۰۸۷۸	۸۰۷۳۶
	تقوا	نهج البلاغه، حکمت ۹۱، ترجمه دین پرور: ۵۲۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه دین پرور: ۳۳؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۲۵، ترجمه دین پرور: ۵۳۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۰۲، ترجمه دین پرور: ۵۹۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۸۰، ترجمه دین پرور: ۵۹۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶، ترجمه دین پرور: ۵۲۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۶۳، ترجمه دین پرور: ۵۸۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳، ترجمه دین پرور: ۵۵۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ترجمه دین پرور: ۳۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ترجمه دین پرور: ۹۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳، ترجمه دین پرور: ۱۶۱؛	۸۰۰۱۸	۹۰۲۷۶	۹۰۸۷۸	۹۰۱۶۷

نوع عامل	شاخص	استناد به منابع	حد پایین عدد فازی U_{ij}	حد وسط عدد فازی M_{ij}	حد بالای عدد فازی L_{ij}	عدد فازی زدایی شده S_{ij}
	تقوا	نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰، ترجمه دین‌پرور: ۱۸۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ترجمه دین‌پرور: ۲۲۱	۸.۰۱۸	۹.۲۷۶	۹.۸۷۸	۹.۱۶۷
	زاهدمنشی	نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱، ترجمه دین‌پرور: ۶۰۳	۸.۰۷۸	۹.۴۰۰	۹.۹۷۳	۹.۲۷۵
	ژرف‌باوری	نهج البلاغه، حکمت ۲۶، ترجمه جعفری: ۴۹۴	۸.۴۴۵	۹.۵۸۳	۹.۹۷۳	۹.۴۵۸
	تزکیه نفس	نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ترجمه دین‌پرور: ۱۰۴	۸.۴۴۵	۹.۵۸۳	۹.۹۴۳	۹.۴۵۳

بحث و نتیجه‌گیری

اصول، مبانی، شاخص‌ها، نظریه‌ها و اهداف توسعه در حال تحولند که بخشی از این تحولات مبنای ارزشی و فرهنگی دارند. در منابع و مآخذ دینی، مصادیق و مؤلفه‌های فراوانی در باب توسعه مطرح و معرفی شده‌اند که از امکان توسعه نظریه بومی توسعه حمایت می‌کنند. علی‌رغم موفقیت‌های فراوان غرب در روند توسعه خود، بحران‌های اجتماعی و انسانی غرب، به‌ویژه در ابعاد معنوی همچنان باقی است. به‌ویژه به لحاظ شیوع نگاه تک‌بعدی و مادی غرب به انسان و خواسته‌های او، نمی‌توان از مدل‌های پیاده شده در کشورهای پیشرفته غربی، در کشورهای در حال توسعه بهره جست؛ زیرا این مدل‌ها، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کشورهای در حال توسعه را در نظر نمی‌گیرند. از این حیث، هر ملت به یک مدل جامع، مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای خود نیاز دارد. اتکا به دستورات عمل‌ها و رهنمودهای اسلامی و بومی، ظرفیت قابل توجهی را برای توسعه و پیشرفت کشور ایجاد می‌کند.

با پیشرفت‌های انجام شده در زمینه توسعه و همچنین تعریف شاخص‌های جدید برای ارزیابی آن، مشخص گردید که با گذر زمان، تعاریف نوین از توسعه به تعاریف اسلامی نزدیک‌تر می‌شوند؛ اما در کشورهای اسلامی کمتر به این سرمایه معنوی و اثرگذار بر روند توسعه و پیشرفت توجه شده است. لذا در این پژوهش شاخص‌ها و اهداف توسعه و تعالی اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در سه شاخه اصلی رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

شناخت ابعاد توسعه و تعالی اجتماعی با استفاده از منابع قرآن، سنت و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اطهار (علیهم السلام) یک ضرورت است؛ زیرا ساخت مدلی مادر از پیشرفت و تعالی اجتماعی، جز در انطباق با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی یک ملت امکان پذیر نخواهد بود.

در این پژوهش، مؤلفه‌های پیشرفت و تعالی اجتماعی، در قالب سه شاخه رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای، دسته‌بندی گردید (جدول ۳).

از ۶۰ مضمون پایه تعالی اجتماعی، ۳۳ عامل محتوی، ۸ عامل ساختاری و ۱۹ عامل

زمینه‌ای مورد تأیید نهایی قرار گرفت. در مضامین پایه تعالی اجتماعی، شاخه رفتاری دارای بیشترین مؤلفه است. همان‌طور که بیان شد عوامل رفتاری یا محتوایی عبارت است از کلیه عوامل و شاخص‌های مربوط به نیروی انسانی که در پیشرفت و تعالی مؤثر هستند.

برای رسیدن به توسعه پایدار در هر جامعه‌ای علاوه بر برنامه‌ریزی، مدیریت صحیح و استفاده از فناوری مناسب، استفاده از منابع انسانی کارآمد اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه جامعه‌ای که نیروی انسانی سالم و شادابی داشته باشد، این امکان را خواهد داشت که در جهت پیشرفت واقعی، سریع‌تر گام بردارد.

انسان را باید به مثابه محور پیشرفت در نظر آورد. در نهج‌البلاغه انسان با ویژگی‌های چندبعدی در نظر گرفته شده و همزمان به ابعاد مادی و معنوی او توجه شده است. انسان ایده‌آل در فرهنگ نهج‌البلاغه، نماینده و ولی خدا است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲). در مکتب علوی، نگاه ابزارگونه به انسان مردود است.

در دیدگاه علوی، پیشرفت و تعالی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است در جهت نیل به کمال انسان به مثابه اشرف مخلوقات. شرط رسیدن به توسعه مطلوب از دیدگاه امام، دستیابی بشر به حیات معقول یا حیات طیبه است. توسعه علوی، فرایندی جهت‌دار است و هدف نهایی آن رسیدن انسان به کمال شایسته مقام اوست که براساس جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان قرب الی الله است.

منابع

* قرآن کریم

۱. آقا نظری، حسن (۱۳۸۵)، «اصول راهبردی توسعه اجتماعی-اقتصادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، النهج، ش ۱۷ و ۱۸، ۹-۱۹.
۲. امین عاملی، محسن (۱۴۰۶)، اعیان الشیعه، جلد اول، دارالتعارف بیروت.
۳. باقری لنکرانی، کامران، یاسر ساریخانی خرمی، مهدی جوانبخت و عاطفه مشایخی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر شاخص‌های توسعه انسانی در ایران، مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری سلامت.
۴. بختیاری، صادق (۱۳۸۰)، «عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، فلسفه، کلام و عرفان اندیشه حوزه، ش ۳۰، ۹۱-۱۱۵.
۵. پورعزت، علی اصغر و علی اصغر سعدآبادی (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های پیشرفت و تعالی در پرتو رهنمودهای امام علی (علیه السلام)»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، ش ۱، ۹-۳۸.
۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹)، عهدنامه امیر، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۷. جوادی آملی (۱۳۹۱)، مفاتیح‌الحیات، مرکز نشر اسراء.
۸. حرانی، ابومحمد حسن (۱۴۰۴)، تحف‌العقول، انتشارات طهور.
۹. حرّ عاملی (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، جلد دوم، آل‌البیت لإحیاء.
۱۰. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۰)، انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه، یادنامه کنگره هزاره نهج‌البلاغه، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۱۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۲۷۱)، قرب‌الاسناد، انتشارات رضی.
۱۲. صادقی، حسین، سولماز عبدالهی حقی و لیلا عبدالله زاده (۱۳۸۶)، توسعه انسانی در ایران، رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش ۲۴، ۲۸۳-۳۰۴.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، چاپ اول، جلد ۱۰. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، المیزان (دوره چهارم جلدی)، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: کانون انتشارات محمدی.

۱۵. عابدی جعفری، حسین، محمد تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخزاده (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲۳، ۱۵۱-۱۹۸.
۱۶. قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای، انتشارات علوم تحقیقات.
۱۷. نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی علیه السلام (۱۳۷۷)، گردآوری ابوالحسن محمدبن‌الحسین سید رضی، (عبدالحمید آیتی)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.
۱۸. نهج البلاغه، گزیده سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام (۱۳۸۶)، گردآوری ابوالحسن محمدبن‌الحسین سید رضی، (سید محمد مهدی جعفری)، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۱۹. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۶)، نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۹)، سیره اقتصادی امام علی علیه السلام، مطالعات تفسیری، ش ۳، ۱۹۳-۲۲۰.
21. Braun, V. & V. Clarke, 2006, "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): 77-101.
22. Chang, Y. H. (1998). *Transportation plan appraisal and decision making—discussion and application of the fuzzy theory*, Hwatai, Taipei.
23. Chen, M. K., & Wang, S. C. (2010). "The use of a hybrid fuzzy-Delphi-AHP approach to develop global business intelligence for information service firms" *Expert Systems with Applications*. 37: 7394-7407.
24. Conn, R, W. (1994). "Strategic goals and development pathways for fusion". *Fusion Engineering and Design*, 25: 1-4.
25. Davies, M. A. P. (1994). "A multicriteria decision model application for managing group decisions". *The Journal of the Operational Research Society*, 45: 47-58.
26. Harvard. Little, A & Green, A. (2009), "Successful globalisation, education and sustainable. *International Journal of Educational Development*, 29 (2), 166-174.
27. Johnson, William H.A & Roberto Filippini. (2013). "Integration capabilities as mediator of product development practices-performance. *Journal of Engineering and Technology Management*". 30: 95-111.

28. Kemp, R., & Parto, S. (2005). Governance for sustainable development: moving from theory to practice. *International Journal of Sustainable Development*, 8: 12–30.
29. Mikhailov, L. (2003). “Deriving priorities from fuzzy pairwise comparison judgements”. *Fuzzy Sets and Systems*, 134: 365–385.
30. Mirzai, Ahranjani, Hassan. (1976). *Rural Development in Theory and Practice*. A Dissertation Presented to the Faculty of the school of public administration university of Southern California, California.
31. Ojo, Adegboyega. Tomasz Janowski & Johanna Awotwi. (2013). “Enabling development through governance and mobile technology”. *Government Information Quarterly*. 30: 32–45.
32. Ramos, A. G. (1974). *The Changing Meaning of Development*, University of Southern California. California.
33. Seers, Dudley. (1969). “The Meaning of Development. *International Development Review*, 11: 59–65.

